

محاربه در فقه و حقوق ایران*

سید علی موسوی**

چکیده

در مورد جرم محاربه، از تعریف مشهور فقهای امامیه بر می آید که تحقق آن مستلزم دو قید کشیدن سلاح و قصد ایجاد خوف است و مجازاتی که فقهای اسلامی با استناد به تصریح آیه ۳۳ سوره مائده برای آن بیان داشته اند، عبارت اند از: قتل، به صلیب کشیدن، قطع دست و پا از خلاف و نفی بلد (تبعید). بنابر تعالیم اسلامی این جرم با بغی (خروج علیه امام عادل) تفاوت ماهوی دارد و فقهای اسلامی بر این امر اذعان داشته اند؛ مع الوصف این تفاوت در قانون موضوعه ایران لحاظ نشده است. در قوانین ایران با توسعه معنای محاربه، هر گونه فعالیت اعم از رویارویی مستقیم نظامی با حکومت، طراحی کودتا با تهیه لوازم آن، عملیات خرابکارانه به صورت ایجاد حریق، انفجار و اخلال در زیر ساخت های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و... که با هدف براندازی حکومت انجام گیرد و بالفعل یا بالقوه، مؤثر نیز باشد (که از مصادیق بغی می توان به حساب آورد) تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض قرار داده شده است و مرتکب آن با حکم و تعیین قاضی به یکی از مجازات های محاربه محکوم می شود.

کلید واژه ها: محاربه، مجازات محارب، افساد، سلاح، بغی، براندازی

حکومت.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۴/۲۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۵/۲۷

** کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی جامعه المصطفی ص مشهد مقدس / has.mosavi@gmail.com

مقدمه

محاربه و افساد هر دو از جرایمی هستند که در متون و قوانین جزایی موجود از آنها بسیار نام برده شده و در تقسیم‌بندی کلی حقوق کیفری اسلام، تحت عنوان جرایم مستلزم حد، مورد بررسی قرار گرفته است. در حقوق کیفری ایران از یک سو به موجب ماده ۱۲ ق.م.ا. مجازات‌ها بر پنج قسم است: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده؛ و محاربه از جرایم مستوجب مجازات حد است و از سوی دیگر، بسیاری از جرایم در قوانین جزایی موضوعه تحت عنوان جرایم در حکم محاربه مورد اشاره قانونگذار قرار گرفته و در بخش تعزیرات ذکر گردیده است؛ جرایمی که آنها را بیشتر می‌توان تحت عنوان جرم بغی قرار داد. لذا با توجه به اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بیان می‌کند کلیه مقررات و قوانین موضوعه باید براساس احکام فقهی تدوین شوند و از آنجا که نصوص آیات و روایات مستند احکام فقهی است، قبل از آنکه رکن قانونی هر جرم بررسی شود، رکن شرعی آنها (آیات و روایاتی که مبنا و ملاک رکن قانونی‌اند) باید مطالعه گردد. از این رو در این نوشتار ضمن بررسی مبانی جرم محاربه و یافتن جایگاه فقهی آن، به بررسی میزان مطابقت جرم محاربه در حقوق ایران و فقه اسلامی پرداخته می‌شود.

محاربه در فقه

منهوم محاربه

محاربه در لغت، مصدر باب مفاعله از ریشه حرب به معنای جنگیدن و نزاع است. (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۷: ۲۰۳۴۷) به طور کلی واژه محاربه هشت بار در قرآن به کار رفته است، ولی مهم‌ترین آیه‌ای که محاربه را به عنوان یکی از حدود شرعی معرفی کرده است، آیه ۳۳ سوره مائده است که تفاسیر متعدد درباره این آیه باعث شده در مورد این جرم وحدت نظر چندانی مشاهده نشود. از این رو فقهای اسلامی نیز پیرامون اوصاف مجرمانه این جرم، تعریف واحدی ارائه نکرده‌اند. مثلاً اهل سنت و عده‌ای از فقهای امامیه، محاربه را منحصر به راهزنان کرده‌اند. (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۵۸) اما مشهور فقهای امامیه این گونه تعریف کرده‌اند: هر کسی که به قصد ترساندن مردم سلاح بکشد. برخی دیگر از فقهای امامیه، محاربه بر وجه فساد را تعریف بزه مزبور دانسته‌اند. بر اساس این دیدگاه، برای تحقق محاربه، علاوه بر آشکار نمودن سلاح و قصد ارباب، وجود قصد افساد در زمین نیز ضروری است. امام خمینی در مقام تعریف محاربه بیان می‌کند: محارب کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم و قصد افساد در در زمین آشکار و یا آماده کند. (امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۲۳۹)

شرایط تحقق محاربه

بنابر تعریف مشهور فقهای امامیه از محاربه، می‌توان شرایط ذیل را برای تحقق جرم محاربه ضروری دانست.

۱. لزوم به کار گیری اسلحه (اظهار سلاح)

یعنی شخص محارب باید از وسیله‌های خاص برای ترساندن مردم استفاده کند. مهم‌ترین مسئله‌ای که در اینجا بین فقها مورد بحث قرار گرفته آن است که مقصود از سلاح چیست؟ در برخی از فرهنگ‌های لغت، سلاح به هر وسیله‌ای تعبیر شده است که برای جنگ و قتال از آن استفاده می‌شود: (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۷۰۷؛ عمید، ۱۳۶۰: ۶۲۶)

اما در بین فقهای امامیه سه دیدگاه متفاوت در مفهوم اسلحه به این شرح، وجود دارد. الف) منظور از سلاح، فقط سلاح آهنی است، مثل شمشیر، نیزه، قمه و... این گروه که اکثر فقهای امامیه می‌باشند، پیرامون مصادیق سلاح آهنین، تفاوتی بین سلاح گرم و سرد قائل نشده‌اند. قانونگذار ایران نیز در تبصره ۳ ماده ۱۸۳ ق.م.ا. از این معنا تبعیت کرده است؛

ب) سلاح هر چیزی است که به سبب آن، انسان به دیگری حمله کند، مثل چوب، سنگ، تازیانه و...: (امام خمینی، همان: ۲۳۹)

ج) عده‌ای از فقها استفاده از سلاح را تا به کار بردن زور و قهر غلبه نیز توسعه داده‌اند. بنابر نظر آنها سلاح فی‌الذمه موضوعیت ندارد، بلکه اشاره به ابزار نیرو و قدرتی است که موجب ترساندن مردم می‌شود. به عبارت دیگر سلاح کنایه از ابزار اعمال قدرت و زور می‌باشد که حتی بر آتش زدن خانه و کاشانه مردم نیز منطبق می‌شود. بنابر این هر کسی که برای ایجاد رعب و هراس با قدرت نمایی و قهر و غلبه به سوی مردم حمله کند اگر چه سلاحی هم در دست نداشته باشند. عمل آنها محاربه است. (ر.ک: شهید ثانی، بی‌تا، ج ۹: ۲۹۲؛ کدیور، ۱۳۸۷: ۲۴۶)

۲. قصد برهم زدن امنیت عمومی (ایجاد خوف)

بنابر نظر مشهور فقهای امامیه، محارب باید قصد ترساندن و ایجاد وحشت و یا برهم زدن آسایش مردم را داشته باشد. خواه یک نفر را بترساند یا جماعتی را، خواه مسلمان باشند یا اهل ذمه، در بلاد اسلام باشد یا غیر آن، در هر صورت محارب است. نکته مهم در این قسمت آن است که تهدید مرتکب باید جنبه عمومی داشته باشد، بنابراین هر گاه مرتکب براساس عداوت شخصی و با اقدام مسلحانه، فرد یا افرادی را

به قتل برساند، عمل وی محاربه نیست. بنابراین با مراجعه به نظریات مشهور فقهای شیعه می‌توانیم ارکان جرم محاربه را این گونه بیان کنیم:

۱. آیه ۳۳ سوره مائده که مستند حکم محاربه قرار گرفته است (عنصر قانونی)؛
۲. تجرید و برهنه کردن سلاح (گرم یا سرد) (عنصر مادی)؛
۳. قصد اخافه عمومی (به قصد اخذ مال باشد یا غیرآن) (رکن معنوی).

مجازات محارب

در مورد مجازات محارب، آیه ۳۳ سوره مائده به چهار نوع مجازات صراحت دارد: «کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، فقط این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا دست و پای آنها بر عکس یکدیگر بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند...» با توجه به قید تأکیدی «انما» این اتفاق نظر بین فقها وجود دارد که مجازات محارب غیر از موارد چهارگانه مذکور در این آیه چیز دیگری نیست (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۸۱) اما در خصوص اینکه کدام یک از مجازات‌ها و به چه صورت اجرا می‌شود، آیه ساکت است و باید به روایات مراجعه کرد. در این مورد فقهای اسلامی به استناد روایات باب محاربه، دو قول را مطرح کرده‌اند: قول تخییر و قول ترتیب.

الف) قول تخییر

قاضی بین اجرای یکی از این مجازات‌ها مخیر است؛ به این معنا که در محارب فرقی نمی‌کند، محارب کسی را کشته و مالی را ستانده است یا این که فقط با کشیدن سلاح باعث ترس مردم شده است، در هر صورت قاضی مخیر است یکی از مجازات‌ها را اعمال نماید، ولی با این حال بسیاری از فقها تأکید کرده‌اند که قاضی باید جرایم ارتكابی از سوی محارب را هنگام صدور حکم در نظر بگیرد.

ب) قول ترتیب

به این معنا که حاکم شرع موظف است هریک از مجازات‌های چهارگانه را به ترتیب و به نسبت نوع جرم ارتكابی محارب تعیین کند. مثلاً اگر کسی را کشته و مالی را برده است، باید دست و پای او را قطع کرد و سپس به قتل رساند و در آخر جنازه او را برای عبرت دیگران بر روی صلیب می‌گذاریم. (حبیب‌زاده، همان: ۸۱-۹۶) مؤلف *جواهر الکلام* می‌گوید: اصحاب بین قول به تخییر و ترتیب اختلاف نظر دارند. شیخ مفید، صدوق، دیلمی و علامه حلی قائل به تخییر هستند... در عین حال شیخ طوسی قائل به قول ترتیب است. (نجفی، ۱۳۸۴، ج ۴۱: ۵۷۳)

محاربه و افساد فی الارض

فساد در فارسی (در حالت مصدر لازم) به معنای تباه شدن، از بین رفتن، متلاشی شدن و در حالت اسم مصدر به معنای تباهی و خرابی و در حالت اسم به معنای فتنه، آشوب، شرارت و بدکاری است. (عمید، ۱۳۶۰، ذیل واژه فساد) اما در عربی فساد ضد صلاح و به معنای تباه شدن، از بین رفتن، فتنه، آشوب و خارج شدن چیزی از حد اعتدال است. فساد در آیات قرآن نیز به همین معنا و در مقابل صلاح به کار رفته است؛ در روایات نیز از معصیت‌های مختلف، تعبیر به فساد شده است.

با توجه به این معانی به دست می‌آید که مفهوم فساد عام است، پس ممکن نیست برای افساد به عنوان عام، مجازات خاصی در نظر گرفت. از این رو جمله «وَوَسَّوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَادًا» در آیه شریفه، محاربه موضوع دیگری را برای مجازات‌های چهارگانه و یا مجازات خاصی را بیان نمی‌کند، بلکه جمله مزبور بیانگر این است که مجازات‌های یاد شده در آیه محاربه برای این است که به ناحق و حرام است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۲۰-۱۲۳)

مواردی که فقها متعرض عنوان مفسد فی الارض شده‌اند عبارت‌اند از: آدم ربایی، اعتیاد به کشتن اهل ذمه، کفن دزدی، آتش زدن منزل دیگری و... بنابراین افساد فی الارض عام‌تر از عنوان محاربه است و ممکن است هیچ یک از قیده‌های محاربه را نداشته باشد.

تفاوت بغی و محاربه

یکی از جهات اهمیت بررسی تفاوت بغی و محاربه می‌تواند این باشد که قانونگذار ایران دو مفهوم مزبور را با هم آمیخته است، از این رو بررسی تفاوت بین این دو جرم زمینه مناسب را جهت بررسی بیشتر برخی مواد قانون مجازات اسلامی را فراهم سازد. این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

۱. بغی، خروج بر امام عادل است ولی محاربه به کاربردن سلاح برای ترساندن مردم می‌باشد. از این رو عمدتاً هدف محارب به وحشت انداختن مردم و بردن مال آنهاست، لذا شارع به دلیل حفظ و صیانت کامل از نظم و آرامش عمومی، مجازات‌های شدیدی را برای عمل محارب تعیین نموده است ولی بغی، جرم علیه دولت شمرده می‌شود و به همین دلیل است که شارع تا حدود زیادی نسبت به باغیان، سیاست وفق و مدارا در پیش گرفته است. حال اگر چنین نتیجه‌ای پذیرفته شود، آن گاه باید اعتقاد داشت که بسیاری از مقررات قانون مجازات بر خلاف چنین دیدگاهی، تدوین شده‌اند. (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۶۵)

۲. در محاربه مسلمان و عدم مسلمان بودن شرط نیست ولی در بغی، مجرم باید مسلمان باشد؛
۳. بغی به صورت گروهی انجام می‌شود ولی محاربه ممکن است به صورت فردی نیز انجام پذیرد؛
۴. در بغی به کار بردن سلاح یا وسیله دیگر شرط نشده ولی در محاربه باید سلاح به کار رفته باشد؛
۵. در بغی شرط است که بغات اعلان جنگ کنند. در این صورت، امام، اول آنان را موعظه و ارشاد می‌کند و به دفع شبهه آنها همت می‌گمارد، ولی در محاربه صرف سلاح به کار بردن به قصد ایجاد رعب و وحشت کافی است؛
۶. برای محارب چهار نوع کیفر پیش بینی شده، اما برای باغی این مجازات پیش بینی نشده است. تنها حکم شرعی در مورد باغی، جهاد است که سرانجامش کشته شدن، اسارت یا فرار اوست؛
۷. توبه محارب پس از دستگیری به عنوان عذر قانونی پذیرفته نخواهد شد، ولی توبه باغی پذیرفته می‌شود. (مگر این که دارای تشکیلاتی باشند که هنوز منهدم نشده باشد)

محاربه در حقوق موضوعه ایران

بنابر ماده ۱۸۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰:

هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می‌باشد.

تبصره ۱: کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود محارب نیست.

تبصره ۲: اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی‌شود.

تبصره ۳: میان سلاح سرد و گرم فرقی نیست. (ق.م.ا. ماده ۱۸۳)

این تعریف با نظر مشهور فقها منطبق است و حتی به رغم آنکه اغلب قوانین کیفری ایران بر اساس نظریه امام خمینی رحمته الله علیه تنظیم شده است، در این مورد مقنن از نظر ایشان که قصد افساد فی الارض را هم شرط می‌دانند، پیروی نکرده است. در این تعریف محاربه و افساد یکسان و یک جرم دانسته شده است.

از کان جرم محاربه

الف) رکن قانونی: رکن قانونی همان آیه ۳۳ سوره مائده و مواد ۱۸۳-۱۹۶ قانون مجازات اسلامی است.

ب) رکن مادی:

رفتار مجرمانه: با توجه به ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی نتیجه می‌گیریم که رفتار مجرمانه محارب از نوع فعل مثبت مادی است، لذا محاربه با ترک فعل و فعل مثبت معنوی رخ نمی‌دهد. این رفتار مجرمانه دارای خصوصیتی از جمله علنی بودن (مجاهره)، عدم نیاز به همراه بودن با جرم دیگر و عدم تأثیر زمان و مکان (شب یا روز بودن، دریا یا خشکی، شهر یا روستا تأثیری در حکم ندارد) می‌باشد.

وسيله مجرمانه: از تعریف محاربه که مورد پذیرش قانونگذار است و مبتنی بر قول مشهور فقهاست، فهمیده می‌شود که برای تحقق ماهیت محاربه به کاربردن وسیله خاص (سلاح) لازم است و فرقی بین سلاح سرد و گرم نیست.

موضوع جرم: موضوع محاربه (به عنوان یکی از جرایم علیه امنیت داخلی همانطور که از ماده ۱۸۳ فهمیده می‌شود) امنیت و آزادی مردم است. به تعبیری که در روایات و کلام فقها آمده است، موضوع محاربه ایجاد خوف برای مردم است. (هدف محارب باید متوجه عموم مردم باشد نه یک نفر)

نتیجه مجرمانه: صرف سلاح کشیدن، سعی در فساد روی زمین نیست، بلکه ایجاد هراس و سلب امنیت نیز در تحقق موضوع محاربه شرط است (کما این که در تبصره ۱ ماده ۱۸۳ ق.م.ا. آمده است) و به عقیده بعضی فقها باید اخذ مال هم نماید. از این رو عده‌ای قائل به آن است که محاربه از جرایم مقید به حصول نتیجه است، بنابراین در صورتی که سلاح را برای سلب امنیت بیرون بکشد، ولی کسی نترسد، محاربه صورت نگرفته است.

ج) رکن روانی: در محاربه، سوء نیت عام و خاص لازم است. کما این که در کلام فقها این چنین آمده است: «من جرد السلاح لاخافه الناس...» (نجفی، ۱۳۸۴، ج ۴۱: ۵۶۴؛ شهید ثانی، بی تا، ج ۹: ۲۹۶) در ماده ۱۸۳ ق.م.ا. نیز آمده است: «هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می‌باشد». بنابراین، سوء نیت عام عبارت است از قصد به کار بردن سلاح و سوء نیت خاص همان قصد ترساندن و سلب آزادی و امنیت مردم است.

مجازات محارب در قوانین ایران

ماده ۱۹۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد:

حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است: ۱. قتل؛ ۲. آویختن به دار؛ ۳. اول قطع دست راست و سپس پای چپ؛ ۴. نفی بلد.

این مجازاتی است که به صراحت آیه ۳۳ سوره مائده برای محاربه اعمال می‌شود و کسی در این حکم مخالفت نکرده است. مهم‌ترین اختلافی که بین فقها مطرح می‌شود در نحوه اعمال این مجازات است که آیا به صورت ترتیب است یا تخییر. ماده ۱۹۱ ق.م.ا. در این مورد بیان می‌دارد:

انتخاب هر یک از این امور چهارگانه به اختیار قاضی است، خواه محارب کسی را کشته یا مجروح کرده یا مال او را گرفته باشد و خواه هیچ یک از این کارها را انجام نداده باشد. (همان)

بنابراین ماده، قانونگذار ایران همان قول مشهور فقهای امامیه را که قول تخییر می‌باشد، پذیرفته است. با این تفاوت، اکثر فقهایی که قائل به قول تخییر بوده‌اند این قید را اضافه کرده‌اند که قاضی هنگام صدور رأی عمل ارتكابی محارب را در نظر بگیرد. یعنی اگر محارب کسی را کشته، بهتر است که مجازات قتل را اعمال کند و اگر کسی را نکشته، جراحی وارد نساخته و مالی را به غارت نبرده است، بهتر است که وی را تبعید کند. ولی قانونگذار اشاره‌ای به این مورد نکرده است. نکته دیگر در مورد ماده ۲۸۲ ق.م.ا. نحوه تصلیب می‌باشد که در این ماده مسکوت مانده است. این در حالی است که قانونگذار در ماده ۱۹۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ این گونه تصریح کرده بود:

مصلوب کردن مفسد و محارب به صورت زیر انجام می‌گردد: الف) نحوه بستن موجب مرگ او نگردد؛ ب) بیش از سه روز بر صلیب نماند ولی اگر در اثنای سه روز بمیرد می‌توان او را پایین آورد؛ ج) اگر بعد از سه روز زنده بماند نباید او را کشت.

این که مقنن جمهوری اسلامی در بند الف تصریح کرده است: «نحوه بستن موجب مرگ او نگردد»، به خاطر آن است که این نظر با قول تخییر موافق‌تر است، زیرا صلب، قسیم قتل است نه از مصادیق آن و لذا لازم نیست حتماً صلب به قتل منجر شود. (حبیب‌زاده، همان: ۱۰۱)

با این حال سیاست کیفری قانونگذار ایران در مورد جرم محاربه، دارای اشکالات و ابهام‌های متعددی است. با وجود این که قانونگذار به این موضوع توجه داشته که توسل به شیوه‌های خشونت آمیز برای براندازی نظام سیاسی اسلامی در گفتمان فقهی عنوان بغی دارد و به آن تصریح کرده است، ولی به دلایل نامعلومی، وفاداری خود به ضوابط مقرر در فقه برای این جرم را نشان نداده و بین این عنوان و عنوان محاربه از

نظر پاسخ کیفی و مجازات، همانندی ایجاد کرده است. در حالی که تقریباً همه صاحب نظران در این موضوع اتفاق نظر دارند که بحث بغی و محاربه، عنوان‌های فقهی مستقلی هستند و تعریف و عناصر تشکیل دهنده و ساز و کار پاسخ دهی و کیفر این جرایم هم متفاوت است.

شاید سهم عمده از گسترش مفهومی عنوان محاربه و افساد فی الارض در حقوق کیفری ایران، به دلیل ابهامات متعدد فقهی و حقوقی باشد که در این زمینه وجود دارد. از این رو محاربه که در کلام فقهی اکثر فقها محدود به شکل خاصی از جرائم علیه امنیت بوده، در سیاست کیفری ایران چنان توسعه یافته که جرایم مختلف و متفاوتی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را شامل می‌شود. (مجیدی، همان: ۱۵۴)

با توجه به مطالب گذشته درباره تعریف، ارکان، مجازات جرم محاربه و تفاوت آن با بغی (بنابر سیاست کیفری اسلام) می‌توان بوضوح به این مسئله پی برد. اقدامات علیه حکومت را که قانونگذار از مصادیق محاربه تلقی کرده است، می‌توان به چند دسته تقسیم کرد که به اختصار به بعضی از این مواد اشاره می‌شود:

۱. اقدام مسلحانه یک فرد علیه حکومت

هر [فرد] نظامی که علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه نماید، در صورتی که ارتکاب جرم وی به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد، با علم به تأثیر آن، در حکم محارب است و در غیر این صورت، به ۵ تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شود». (بند ۵ ماده ۱۱ قانون جرایم نیروهای مسلح)

هر [فرد] نظامی که به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی، جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد، محارب محسوب می‌شود. (ماده ۸ قانون جرایم نیروهای مسلح)

۲. قیام مسلحانه یک تشکل و جمعیت منسجم علیه حکومت اسلامی

هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کنند، مادام که مرکزیت آن باقی است، تمام اعضا و هواداران آن که موضع گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن، فعالیت و تلاش مؤثر دارند، محارب‌اند؛ اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند. (ماده ۱۸۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰)

۳. تحریک مؤثر در براندازی حکومت

هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می شود... (ماده ۵۰۴، کتاب تعزیرات و مجازات های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵)

۴. نامزد شدن برای تصدی یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا

هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی، خود را نامزد یکی از پست‌های حساس کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی مؤثر باشد، محارب و مفسد فی الارض است. (ماده ۱۸۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰)

البته با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید در سال ۱۳۹۲ هر چند که برخی از این اقسام، حذف شده است، مع الوصف برخی دیگر از آنان همچنان باقی مانده است.

نتیجه

۱. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، هر عمل مجرمانه ای را به شرط این که اولاً، محرز گردد هدف از انجام آن مقابله با حکومت است و ثانیاً، آن عمل در تحقق هدف مذکور، مؤثر باشد، محاربه می‌داند و با احراز این دو شرط، دیگر تفاوت ندارد که عمل مورد ارتکاب اقدام نظامی و مسلحانه باشد که رابطه مستقیم با هدف براندازی دارد یا اعمال خرابکارانه یا تأمین امکانات برای مرتکبین جرایم فوق و یا همکاری معنوی از طریق دادن وعده برای به عهده گرفتن پست‌های حساس در حکومتی که قصد ایجاد آن را بعد از ساقط کردن حکومت اسلامی دارند. (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۸: ۲۳۳)

۲. پیش‌بینی جرایم (مواد ۱۸۶-۱۸۸، ۵۰۴ و ۶۷۵ ق.م.ا. و ...) به عنوان محاربه، با مبانی فقهی سازگار نیست. محاربه یکی از حدود و برگرفته از کتاب و سنت است، از این رو استعمال آن در جرایم غیر منطبق با محاربه، بلکه تعزیری که مجازات آن بر مبنای میزان خسارات وارده و به دست حاکم است، بی‌معناست و اکثر جرایمی که تحت عنوان محاربه یا افساد فی الارض در قوانین کیفری ایران مطرح شده است، با محاربه که تعریف آن را دانستیم، سازگاری ندارد. لذا قانونگذار باید عنوان محاربه را از بعضی جرایم بردارد و مجازات‌های خفیف تری را پیش‌بینی نماید.

۳. در بسیاری از مواد، قانونگذار تعیین و تشخیص انطباق عنوان مجرمانه محاربه بر عمل ارتكابی را بر عهده مجریان قانون (مقام رسیدگی کننده) گذارده است و از قضاوت صریح و مستقیم در خصوص انطباق عنوان محاربه بر پاره‌ای از جرایم خودداری نموده

است که البته با توجه به آنکه تعریف دقیق و مشخصی از نظر قانونی برای جرم محاربه ارائه نشده است، قدرت مانور بسیار زیادی در اختیار قاضی رسیدگی کننده گذارده تا با انتخاب و تشخیص خود انطباق یا عدم انطباق محاربه بر عمل مجرمانه ارتكابی را تعیین نماید، لذا این موضوع اگر چه تا حدودی ایرادات قبلی طرح شده در خصوص نادرستی عمل قانونگذار در اتصاف جرایمی که در واقع محاربه نیستند به وصف و عنوان محاربه را بر طرف نموده است، لیکن زمینه بروز مشکلات بسیار بزرگتری را فراهم آورده است که اختلاف سلیقه و دیدگاه قضات با یکدیگر در تحقق عنوان محاربه یا عدم آن است. اختلافی که اولاً از ایجاد یک رویه واحد حقوقی و قضایی در خصوص رسیدگی به موارد مشابه جلوگیری می‌نماید و ثانیاً با اصل قانونی بودن جرم تعارض آشکار پیدا خواهد کرد. (زینلی، ۱۳۷۸: ۲۳۷)

منابع و مأخذ

- پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۸)، *جرم سیاسی*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- جمعی از مؤلفان (۱۳۸۸)، *همایش حکومت دینی*، مجموعه مقالات حکومت دینی، جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه، قم.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)، *حقوق در آینه فقه*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
- حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۷۹)، *محاربه در حقوق کیفری ایران*، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۴)، *تحریر الوسیله*، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: غلامرضا خسروی حسینی، المکتبه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه، قم.
- زینلی، محمد رضا (۱۳۷۸)، *جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی*، امیرکبیر، تهران.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۹)، *الخلافا*، موسسه النشر الاسلامی، قم.
- عمید، حسن (۱۳۶۰)، *فرهنگ عمید*، امیرکبیر، تهران.
- کدیور، محسن (۱۳۷۸)، *حق الناس*، کویر، تهران.
- مجیدی، سید محمود (۱۳۸۶)، *جرائم علیه امنیت*، میزان، تهران.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۳۷۷)، *شرایع الاسلام*، دارالتفسیر، تهران.
- مرتضوی، سعید (۱۳۸۵)، *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، مجد، تهران.
- مکی العاملی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین (بی تا)، *اللمعة الدمشقیه*، جامعه النجف الدینی، نجف.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۷)، *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، میزان، تهران.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۸۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.